

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی تطبیقی جنگ شناختی بنی‌امیه علیه حکومت علوی

با اقدامات امروز غرب علیه جمهوری اسلامی

مقدمه

نزاع بین حق و باطل همیشگی و مستمر بوده است. در این میان جبهه حق تلاش کرده است تا ابزارهای مختلف را در برهه‌های گوناگون علیه جبهه حق به کار گیرد. گاه در این نزاع از سلاح‌ها و ابزارهای سخت مانند شمشیر و تفنگ و سلاح‌های مدرن استفاده شده و بدن‌ها مورد تهاجم قرار گرفته است و گاه درگیری‌ها به ادراکات و محاسبات کشیده و تلاش شده است ادراک و محاسبه طرف مقابل به هم ریخته و به نفع مقابل تصرف شود. یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد تاثیرگذاری در حوزه شناختی و تغییر نگرش‌ها و باورهاست. به زبان ساده چنین امری را می‌توان یک پیروزی بزرگ و پایدار بدون خونریزی دانست. یکی از کسانی که در طول تاریخ تلاش نمود تا از حربه‌های شناختی علیه جریان

حق استفاده نماید، معاویه ابن ابوسفیان است. معاویه در طول نزاع خویش با امیرالمومنین علی علیه السلام تلاش نمود تا به شگردهای مختلفی از جمله دروغ، تهمت، تحریف و ... به ترور شخصیتی امام علی علیه السلام بپردازد. آنچه در دوره معاویه اتفاق افتاد محصور در آن زمان نماند و در برهه های مختلف و توسط جبهه باطل به کارگیری شده است که نمونه آن را در جنگ شناختی و ادراکی پس از انقلاب اسلامی علیه نظام اسلامی شاهد بوده و هستیم.

تعریف جنگ شناختی

جنگ ها به دو دوره قبل و بعد از جنگ سرد قابل تقسیم است. قبل از جنگ سرد، طرف های مهاجم غالباً میل به رویارویی سخت داشتند؛ اما با ورود به دنیای مدرن، طرفین متخصصم، ضمن دوری از مواجهه مستقیم، متغیرهای جدیدی به عرصه رقابت و کشمکش وارد کردند که منجر به کاهش هزینه ها و خسارات در جنگ شد. این نوآوری با گسترش و فراگیر شدن اینترنت و با تکامل تلفن همراه، رایانه ها و شبکه های اجتماعی موجب شد تا مفهوم جنگ به کلی با گذشته تغییر کند. جنگ روانی، جنگ اطلاعاتی، جنگ الکترونیک و جنگ سایبری نمونه هایی از روش جدید تقابل به شمار

می‌روند. در همه این جنگ‌ها بهره‌مندی از تاکتیک‌های غیرنظامی یا استفاده از فناوری دیجیتال و دانش پایه بودن، وجه تمایز با جنگ‌های سنتی است. در جنگ شناختی از تکنیک‌ها و ظرفیت جنگ‌های روانی، اطلاعاتی، الکترونیک و سایبری استفاده می‌شود. امروز اما دشمنان و نیروهای ضد یکدیگر در تلاشند با استفاده دشمنی در قالب جنگ شناختی با یکدیگر مبارزه کنند و بدون ردپایی از خود رقیب را از صحنه به‌در کنند.

جنگ شناختی (Cognitive warfare) به معنای هدف قرار دادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه هدف با تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت است. این نوع جنگ شکل تکامل یافته تر، پیشرفته‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تر جنگ روانی است که مبتنی بر جامعه شبکه‌ای (با زیرساخت رسانه‌های نوین) بوده و با مدیریت ادراک و برداشت انجام می‌گیرد.

ویژگی‌های هشت گانه جنگ شناختی

اگر ویژگی‌های جنگ شناختی در برهه‌های مختلف را بررسی کنیم، به ۸ ویژگی مشابه در این حوزه دست پیدا می‌کنیم که عبارتند از:

۱- جنگ شناختی جنگی است که در صدد تغییر نه فقط در محتوای شناخت افراد، بلکه در نحوه شناخت آنها نسبت به واقعیت‌های اجتماعی است و گونه‌ای از تهاجم به ذهن است.

۲- جنگ شناختی، عیناً جنگ نرم نیست، ولی با آن نسبتی دارد؛ یعنی تغییر اعتقادات افراد با استفاده از تزریق باورهای معارض را هم در خود دارد. شاید بتوان گفت جنگ شناختی، صورت پیشرفته جنگ نرم است.

۳- جنگ شناختی، عمده مؤلفه‌های جنگ نظامی را در خود دارد، ولی سنخ مؤلفه‌های آن کاملاً متفاوت است. مثلاً: منطقه جغرافیایی و زمان دقیق آغاز و پایان ندارد، ولی در همه جا و همه زمان‌ها در جریان است؛ نفر به نفر یا گروه به گروه نیست، ولی همه اقشار جامعه را هدف قرار می‌دهد؛ در این جنگ کسی کشته نمی‌شود، ولی باورهایش تضعیف و محو می‌شود؛ به طور کلی اجزای آن، نامحسوس است، ولی وجود دارند؛ تخریب سازه‌ها و تجهیزات فیزیکی ندارد، ولی تخریب اذهان و باورها را دارد؛ و

۴- جنگ شناختی، با جنگ رسانه‌ای و جنگ سایبر هم نسبتی دارد؛ زیرا رسانه و فضای سایبر را به طور جدی به خدمت می‌گیرد، هرچند اعم از این دو است، یعنی ابزارهای دیگر را هم بکار می‌گیرد.

۵- در واقع جنگ شناختی، مطلق ابزارهای شناختی را بکار می‌گیرد: از هوش مصنوعی استفاده می‌کند؛ از مطالعات مغز و عصب‌شناسی استفاده می‌کند؛ از اصول و قواعد روان‌شناسی بهره می‌گیرد؛ از مطالعات ذهن و تکنیک‌های تغییر ذهن هم استفاده می‌کند (تغییر ذهن، از مباحث مهم علوم شناختی است).

۶- جنگ شناختی عمدتاً هدف و غرض سیاسی دارد و در خدمت قدرت‌های سیاسی است. قدرت‌های سیاسی، به جای جنگ نظامی که با افکار عمومی ناسازگار است، از جنگ شناختی که کاملاً موجه جلوه می‌کند، استفاده می‌کنند.

۷- هدف جنگ شناختی، شکست دشمن از طریق از بین بردن اعتماد ملت‌ها نسبت به حاکمیت‌ها و نهادهای سیاسی، از بین بردن نیروها، سرمایه‌های اجتماعی و مالی و ... است.

۸- سلاح‌های جنگ شناختی عبارتند از: اعتبارزدایی، مشروعیت‌زدایی، کارآمدی‌زدایی، اعتمادزدایی، امیدزدایی و ... از حاکمیت یا از رابطه حاکمان و مردم.

اهداف جنگ شناختی در دوره امیرالمومنین (ع) و انقلاب اسلامی

اگر اهداف جنگ شناختی در دو برهه ذکر شده یعنی در دوره امیرالمومنین علی علیه السلام و شرایط فعلی را بررسی کنیم می توان گفت که این جنگ با وجود شکل گیری در دو برهه مختلف و وجود بازیگران متفاوت، دارای اهداف یکسان و مشابهی می باشند. در یک نگاه کلی می توان اهداف به کارگیری جنگ شناختی را به سه هدف دسته بندی نمود:

هدف کوتاه مدت: بدبین سازی و تخریب ساختار و کارگزاران نظام را

باید هدف کوتاه مدت در دو عصر ذکر شده نامید. یکی از ارکان جنگ شناختی که می تواند هدف اولیه قلمداد شود، تخریب و ترور شخصیت است. در جایی که ترور فیزیکی شخص ممکن نباشد، ترور شخصیت، جای آن را خواهد گرفت. معاویه با ترفندهای مختلفی، سعی داشت جایگاه و شخصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را مخدوش کند و بنا داشت احب الخلق در نزد پیامبر را ابغض الخلق در نزد مردم قرار دهد تا مردم از دور علی و آل علی متفرق شوند. در ادامه خواهیم گفت که معاویه برای این کار از ابزارها و شگردهای مختلفی استفاده نمود. این رویکرد در عصر حاضر و در مواجهه با ساختار نظام و مسئولین آن نیز به کارگیری شده است. دشمن در جنگ شناختی تلاش می کند با استفاده از ترفندهای مختلف مردم را نسبت

به نظام و آینده آن ناامید کند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب «اولین هدف آنها این است که ملت را نسبت به نظام اسلامی دلسرد و ناامید کنند؛ بیشتر تبلیغات و شایعه‌پراکنی آنها متوجه به این هدف است» (بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه، ۱۳۸۱/۰۵/۰۵)

هدف میان مدت: هدف میان مدت جبهه باطل در دوره امیرالمومنین علی علیه السلام و شرایط حاضر را باید براندازی دانست.

هدف غایی: هدف غایی در دو عصر بر پایه محو و ریشه کنی تفکر اسلامی و کیان اسلامی بنا نهاده شده است. در تاریخ می‌خوانیم که پس از رسیدن عثمان به خلافت، ابوسفیان نزد وی و در جمع امویان گفت «اکنون که گوی خلافت به دست شما افتاده، آن را در میان خود بگردانید و نگذارید که از دستتان بیرون افتد.» این رویکرد نفی اسلام و تلاش برای استحاله آن در دوره معاویه نیز جاری بود. چنانچه در تواریخ می‌نویسند که مغیره بن شعبه در یکی از ملاقات‌های خود با معاویه به او گفت «بنی‌هاشم اقتدار خود را از دست داده‌اند و خطری از ناحیه آنان حکومت تو را تهدید نمی‌کند. چه بهتر که بر آنان سخت‌گیری و آنان را مورد مهر و محبت قرار دهی.» معاویه گستاخانه در پاسخ گفت «پس از مرگ ابوبکر، عمر و عثمان هیچ اثری از آنان باقی نمانده و نامی از آنان برده نمی‌شود اما هر روز پنج

مرتبه فریاد «أشهد أن محمداً رسول الله» به گوش می‌رسد. با این وضع، دیگر چه چیزی برای ما بنی‌امیه باقی مانده است. به خدا سوگند تا نام پیامبر را دفن نکنم و از زبان‌ها نیندازم، آرام نخواهم گرفت. « این رویه مرسوم در امویان بوده است چنانکه پس از حادثه عاشورا در اشعار کفرآمیز از کشته شدگان کفار یاد کرده و یزید دستور داد چوب خیزرانی برایش آوردند و با آن به دندان‌های مبارک امام حسین علیه السلام می‌زد و این اشعار را که به صراحت کفر او را آشکار می‌ساخت، ترنم می‌کرد «لیت أشیأخی بیدر شَهِدوا جَزَعُ الخَزْرجِ من وَقعِ الأَسَلِ» ای کاش بزرگانی از قبیله من که در جنگ بدر کشته شدند، هم اکنون بودند و زاری قبیله خزرج را از زدن شمشیرها و نیزه‌ها می‌دیدند!

همانگونه که امویان در عصر خود اصل اسلام را نشانه گرفته بودند، در عصر حاضر نیز کیان اسلامی و وجود ایران مورد هجمه و هدف قرار گرفته است. رهبر معظم انقلاب در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح در سال گذشته به صراحت فرمودند که «آنها فقط با جمهوری اسلامی مخالف نیستند، با ایران مخالفند؛ آمریکا با ایران قوی مخالف است، با ایران مستقل مخالف است. همه‌ی بحث آنها، همه‌ی دعوای آنها سر جمهوری اسلامی نیست؛ البتّه با جمهوری اسلامی

بشدت و عمیقاً دشمنند، در این شکی نیست، اما بدون جمهوری اسلامی هم با ایرانی که قوی باشد مخالفند، با ایرانی که مستقل باشد مخالفند. آنها ایران دوران پهلوی را دوست دارند: گاو شیرده و مطیع اوامر آنها که شاه مملکت برای یک تصمیم، ناچار بشود سفیر انگلیس یا سفیر آمریکا را بخواهد و از او کسب تکلیف بکند! این ننگ را ملت ایران چگونه می‌تواند تحمل بکند؟ آنها این را می‌خواهند؛ با ایران مخالفند.»

شباهت‌ها و تفاوت‌های جنگ شناختی در دو عصر مذکور

بررسی مبنایی جنگ شناختی در دو عصر امیرالمومنین و انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که این جنگ در دو بازه زمانی با هم شباهت‌ها و تفاوت‌هایی به لحاظ شکلی و محتوایی دارند.

شباهت‌ها:

الف) مدل جنگی: جنگ شناختی در دو عصر یاد شده همزمان با یک تهاجم و جنگ ترکیبی بوده و هست. جنگ ترکیبی یک پدیده کلان و جامع است که هر صورت و قالبی از منازعه را می‌توان در گستره معنایی آن جای داد. مثلاً منازعات نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، شناختی، سایبری، و... همگی وجوه مختلفی از این پدیده در نظر گرفته می‌شوند. در عصر

حاضر دشمن تلاش نموده است تمام ابزارهای خود را برای تقابل با نظام اسلامی به کار بگیرد؛ استفاده از ابزار تحریم و جنگ اقتصادی، حرکت های تروریستی، جنگ دیپلماتیک در عرصه مذاکرات و یا سازمان های بین المللی، تلاش برای تهییج اقوام و مذاهب ایرانی و ... بخشی از جنگ ترکیبی است که در عصر حاضر جنگ شناختی را همراهی و همیاری می کند. در عصر امیرالمومنین نیز با این پدیده مواجه هستیم. برای مثال همزمان که جنگ صفین بعنوان یک ابزار سخت به کار گرفته می شد ما شاهد ترور شناختی و فکری علیه امیرالمومنین و جبهه حق هستیم. در عین حال معاویه سعی می کرد از تمام ابزارهای موجود حتی راهزنی برای ضربه زدن به حکومت و حیثیت امیرالمومنین (ع) استفاده نماید چنانچه بخشی از زندگی امام را با عنوان غارات نامیده اند که حضرت امیر در موضوع خلخال کشیدن از پای زن یهودی به آن اشاره می نمایند.

ب) ابزارهای جنگی: با وجود تفاوت در سکوها و بسترهای جنگ شناختی در دو عصر که در ادامه به آن اشاره می کنیم دروغ پردازی، تخریب، تهمت، سیاه نمایی و ... بخشی از ابزارهای جنگ شناختی در دو عصر می باشد.

د) اهداف جنگی: این موضوع به علت اهمیت پیش از این به آن پرداخته شد.

ج) جامعه هدف: در این میدان به طور مشخص دو گروه مورد هجمه قرار می گیرند؛ رهبران (اعم از نخبگان فکری و اجرایی) و مردم. ممکن است در آن واحد هر دو گروه یا یکی از آنها هدف این جنگ باشند. جنگ شناختی علیه مسئولین و نخبگان با هدف تغییر در محاسبات ذهنی است. به عبارت ساده ادراکات سران یک جامعه مورد تهاجم قرار می گیرد تا در ذهن آنان احتمال رسیدن به هدف اصلی کم رنگ شده و چاره ای جز سازش و تسلیم در برابر مهاجم، پیش پای خود نبینند. چنانکه رهبر معظم انقلاب می فرمایند که «یکی از کارهای مهم دشمنان همین است: با شما که مواجه می شود، نیت شما را که می داند، تصمیم شما را که می داند، درصدد برمی آید کاری کند تا محاسبات شما عوض بشود، دستگاه محاسباتی شما را دچار اختلال کند؛ یکی از کارهای مهم دشمن در عرصه های گوناگون این است.» اگر بخواهیم به مواردی که در تاریخ تحت تاثیر القاءات معاویه قرار گرفتند اشاره کنیم می توانیم موارد ذیل را نام ببریم:

الف) ابو یزید، ربیع بن خثیم ملقب به خواجه ربیع را یکی از هشت زاهد مشهور اوائل اسلام به شمار آورده‌اند که در جنگ صفین در حقانیت امام علی (ع) شک نمود و از عرصه جنگ کناره‌گیری نمود.

ب) فردی چون خزیمه بن ثابت (معروف به ذو‌شهادتین که پیامبر اسلام به‌حسب اعتمادی که به وی داشت، شهادت وی را به‌جای شهادت دو نفر پذیرفت) در صفین حضور داشت، اما تا زمان به شهادت رسیدن عمار، دست به شمشیر خود نبرد و پس از شهادت عمار بود که گفت اکنون حق و باطل برای من شناخته شد.

تفاوت‌ها:

سکوها و بسترهای جنگ شناختی: در دوره امیرالمومنین علی علیه السلام به علت عدم ظهور رسانه‌های نوین، افراد بعنوان سکوها و بسترهای جنگ شناختی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. افراد در این دوره محمل و عامل اصلی دروغ پردازی‌ها، شایعات، تحریف‌ها و ... بودند. اما جنگ شناختی در عصر حاضر با ظهور رسانه‌های نوین رنگ و بوی جدیدتری به خود گرفته است. رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، منابع اینترنتی، فیلم‌ها، عکس‌ها، کارتون‌ها و انیمیشن‌ها و وب‌سایت‌ها از

مهم‌ترین بسترها و سگّوهای جنگ شناختی در شرایط فعلی به‌شمار می‌روند.

مقایسه تطبیقی ابزارهای به کارگیری شده در جنگ صفین و اغتشاشات

پائیز ۱۴۰۱

در جنگ شناختی دوره امیرالمومنین علی(ع) و عصر انقلاب ما شاهد ابزارها و شیوه‌های یکسانی در القای خواسته‌ها و مطامع جبهه باطل هستیم که صرفاً به چند مورد به صورت گذرا اشاره خواهد شد:

۱- **دروغ پردازی‌ها:** یکی از ابزارهای معاویه در تبلیغات شناختی علیه امام علی (ع) دروغ پردازی بود. برای مثال نقل شده است که هشام بن عتبّه ژهری در بعد از ظهر لیلۀ الهزیر در ماجرای صفین، برای اصحاب و یارانش صحبت و آنها را بر قتال با دشمن و صبر در برابر آنها، ترغیب کرد. آنگاه خودش همراه گروهی از قراء، به میدان رفتند. در این بین، جوانی از قبیله غسّان به جنگ با آنها آمد که بسیار در جنگ ثابت قدم بود و در رجزهایش از خون‌خواهی عثمان سخن می‌گفت. لشکر امیرالمؤمنین(علیه السلام) را طبق تبلیغات معاویه، قاتل خلیفه مسلمین می‌دانست و بر علی(علیه السلام) دشنام می‌داد. هشام، جوان را به خاطر سخنان و دشنام‌هایش انذار داد اما

جوان غسانی، در پاسخ عتاب هشام می‌گوید: من از روی اعتقاد با شما می‌جنگم چرا که به من گفته‌اند، رهبر شما نماز نمی‌خواند و عامل ریخته شدن خون عثمان است! هشام که متوجه شد، جوان در میدان سیاست معاویه فریب خورده و هدف را گم کرده است، علی بن ابی طالب (علیه السلام) را برایش معرفی می‌کند تا بداند که به جنگ با چه کسی آمده! و ریشه گمراهی جوان را در آخرین کلام به او متذکر می‌شود. در نهایت در اثر این گفتگو، جوان غسانی مستبصر شده و توبه می‌کند.

در تحقیق جامعی که صورت گرفته، رسانه‌ها و شبکه‌های خبری فارسی زبان معاند، هر دو دقیقه یک دروغ مخابره می‌کنند! بر همین اساس کارشناسان معتقدند ایرانی‌ها ۱۸۰ برابر متوسط جهان، شایعات، اخبار دروغ و اخبار ناامیدکننده دریافت می‌کنند. برای مثال بررسی عملکرد ۵ رسانه بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال، صدای آمریکا، رادیو فردا و من و تو و صفحات مجازی آنها نشان می‌دهد این رسانه‌ها در ۴۶ روز (۲۳ شهریور تا ۹ آبان) مجموعاً ۳۸۰۰۳ دروغ را درباره حوادث پاییز ۱۴۰۱ ایران منتشر کرده‌اند. این مطالعه صرفاً به بررسی وب سایت، کانال تلگرام، صفحات توییتر و اینستاگرام رسمی این ۵ رسانه پرداخته و شبکه‌های تلویزیونی آنها مورد بررسی قرار نگرفته است. در این بررسی به نسبت حجم اخبار و تولیدات،

بی‌بی‌سی بیشترین میزان اخبار خلاف واقع را داشته است و ایران اینترنشنال و شبکه من‌وتو در رده‌های بعدی قرار دارند.

در این پژوهش مصادیق اخبار خلاف واقع شامل: جعل خبر، تقطیع، تحریف، وارونه‌سازی، بزرگنمایی و کوچک‌نمایی بوده است. ضمناً اخباری که توسط این رسانه‌ها مورد سانسور خبری قرار گرفته نظیر تکذیبیه‌ها در مورد کشته‌های دروغین مورد بررسی قرار نگرفته است. ادعای دروغ کشته شدن ۳۴ کودک در اغتشاشات اخیر توسط پلیس، ادعای دروغ فرار مقامات جمهوری اسلامی با ۵ پرواز روزانه به خارج از کشور، انتساب دروغ عملیات تروریستی شاهچراغ و اتفاقات زندان اوین به نظام جمهوری اسلامی، ادعای دروغ استفاده از کودکان به عنوان نیروهای امنیتی و ... از جمله موارد دروغین در این پژوهش است.

۲- کانالیزه کردن جامعه: جلوگیری از دسترسی مردم به اخبار و معارف علوی یکی از شگردهای معاویه در عصر امیرالمومنین علی (ع) بود. معاویه با ممانعت از رفت و آمد اهل عراق و حجاز به شام تلاش می‌کرد تا بدین‌وسیله مانع از انتشار فضائل علی علیه‌السلام شود. او حتی به ابوذر غفاری که توسط عثمان به شام تبعید شده بود، اجازه نداد در شام بماند و

از اوصاف علی(ع) بگوید. معاویه با قاریان کوفه نیز که به شام تبعید شده بودند درگیر شد تا آنها نیز نتوانند حقایق را به مردم منعکس کنند. امروز نیز کانالیزه کردن و یا کانالیزه شدن اقشاری از مردم توسط جبهه باطل از طریق شبکه‌های مجازی معاند به‌خوبی قابل لمس است. این کانالیزه شدن را در اعترافات اکثر متهمانی که در اغتشاشات ۱۴۰۱ دستگیر شده‌اند، به‌خوبی می‌توان دید. آنها اذعان می‌کنند که تنها از طریق شبکه‌های مجازی و رادیو و تلویزیون‌های بیگانه و ضد انقلاب به رخدادها می‌نگریستند و تحلیل‌های غلط ناشی از اعتماد به آن رسانه‌ها موجب شد برخی از اغتشاشگران حتی تا آنجا پیش بروند که دستشان به خون مردم بی‌گناه و نیروهای بسیجی و امنیتی باز شود.

۳- کشته سازی‌ها: کشته شدن یک فرد در نوع خود یک حربه شناختی نیست بلکه زمانی می‌تواند در جنگ شناختی استفاده شود که جبهه باطل تلاش کند کشته شدن یک فرد را حربه‌ای برای ضربه به حیثیت طرف مقابل و قلب حقائق قرار دهد. آغازگری جنگ شناختی علیه امام علی(ع) با متهم‌سازی امیرالمومنین(ع) به کشتن عثمان صورت گرفت. معاویه برای ایجاد بهانه‌ای جهت جنگ با امیرالمومنین و از آنجا که می‌خواست خود را

خونخواه عثمان نشان دهد، مردانی را در نزدش حاضر کرد تا شهادت دهند که قاتل عثمان، علی است و معاویه عده‌ای از معتمدین شام را بمنظور شهادت تطمیع کرد و آنها شهادت بر علیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) دادند. در نهایت بسیاری مانند شرحبیل که به مدائن رفت و علیه علی (علیه السلام) تبلیغ کرد، تبلیغات علیه امیرالمؤمنین را برمبنای این شهادت‌های دروغ آغاز کردند و ندای خونخواهی عثمان سر داد و مردم را به قتال با علی (علیه السلام) تحریک کرد که در نهایت موجب ریخته شدن خون مسلمین در جنگ صفین شد.

همچنین، پیش از شهادت عمار، بارها عمرو بن عاص گفته بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عمار را گروه ستمکاران می‌کشند. از وی پرسیدند: پس چرا او با ما می‌جنگد؟ آیا ما ستمکاریم؟ عمرو بن عاص برای فریب آنان گفت: نه، بلکه عمار سرانجام به ما خواهد پیوست و بدست یاران علی کشته خواهد شد. شهادت عمار ضربه سهمگین و تزلزل‌آوری بر سپاهیان معاویه وارد کرد و بسیاری از آنان را به تردید و دودلی انداخت. ولی معاویه برای سرپوش گذاشتن بر این فضاحت آشکار، در میان سپاهیان خود شایع کرد که عمار را علی کشت. زیرا عمار به دستور

علی به جنگ شامیان آمد و بدست شامیان کشته شده است. پس قاتل او، علی است! با این حال سپاه معاویه این ترغیب را پذیرفت و با امیرالمومنین (ع) جنگ را ادامه داد.

هرچند پروژه کشته‌سازی در فتنه ۸۸ مشهور شد اما تاریخ این کشته‌سازی‌ها به سال‌ها قبل‌تر برمی‌گردد. در آشوب‌های سال ۷۸ و ماجرای اتفاقات کوی دانشگاه، فردی به نام احمد باطبی که اصلاً دانشجوی دانشگاه تهران نبود، در راستای اجرای طرح کشته‌سازی، با در دست گرفتن یک زیرپیراهن خونی (که بعدها اعتراف کرد در خانه با خون حیوانات، زیرپیراهن را رنگی کرده بود) مدعی کشته شدن دوست دانشجوی خود شد. او که با همین عکس به شهرت جهانی رسیده بود، مدتی بعد از ایران فرار کرد و در آمریکا به فعالیت‌های ضدایرانی خود ادامه داد. ادعای قتل مهسا امینی، نیکا شاکرمی، سارینا اسماعیل‌زاده، خدانور لجه‌ای و ... از جمله مواردی است که در اغتشاشات اخیر شاهد بر پروژه کشته‌سازی از سوی دشمنان بود.

۴- تخریب جایگاه امامت و ولایت: معاویه می‌خواست هیچ نشانی از

علی (علیه السلام) و شیعیانش نباشد و لذا در نامه‌هایش به فرماندهان، دو چیز را متذکر می‌شد «هر که را بر دین و نظریه علی یافتید، بکشید! و

جسدش را مثله و تکه و پاره کنید.» دستور می‌داد که بر روی منابر، علی(علیه السلام) را لعن کنند. معاویه و استاندارانش، این روش را چندان ادامه دادند تا کودکان با آن خو گرفتند و به پیری رسیدند. در ابتدای کار، کسانی یافت می‌شدند که تن به چنین دشنام ناروا و سنگینی نمی‌دادند. لکن معاویه و استاندارانش بقدری در اجرای این بدعت، جدیت و سخت‌گیری نمودند که لعنت فرستادن بر علی(علیه السلام) به صورت رسمی عمومی درآمد. این رسم شوم دولتی از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تا صدور فرمان عمر بن عبد العزیز، یعنی مدت چهل سال بطول انجامید. در عصر حاضر نیز ولایت فقیه بعنوان نائب عام امام عصر(عج) و ولی جامعه در نوک انتقادات و تهمت‌ها و تخریب‌ها قرار داده شده است. در اغتشاشات پائیز ۱۴۰۱ دشمن تلاش نمود فضای اغتشاشات را به سمت مقابله با ولی فقیه و اصل ولایت فقیه و مسائل ایدئولوژیک نظام اسلامی از قبیل امر مهم حجاب و آزادی زنان سوق دهد. اگر به برهه‌های مختلف انقلاب نگاهی بیاندازیم، همواره چهار رویکرد را در دستور دشمنان انقلاب و نظام اسلامی ملاحظه خواهیم کرد:

الف) مشروعیت‌زدایی از اصل ولایت فقیه؛

ب) مقبولیت‌زدایی از شخصیت حقوقی ولی فقیه؛

ج) اعتبارزدایی از شخصیت حقیقی ولی فقیه؛

د) اعتمادزدایی نسبت به ولی فقیه.

جهاد تبیین، پادزهر جنگ شناختی

عمار یاسر را می‌توان مصداق یک جهادگر تبیینی و روایی در مقابل جنگ شناختی دشمن در عصر امیرالمومنین(ع) دانست. تا سال ۳۸ هجری که جناب عمار به شهادت رسیدند، همراه همیشگی حضرت بودند. در ماجرای بیعت با امیرالمؤمنین علیه‌السلام، عمار جزء پیشگامان و مشوقین به بیعت در مدینه بود. در ماجرای جنگ جمل نیز عمار به کوفه می‌رود و نقش مهمی را در همراهی مردم آن دیار با لشکر امیرالمؤمنین علیه‌السلام ایفا می‌کند. حضور عمار، مالک اشتر و امام حسن مجتبی علیه‌السلام، نقش بسیار مؤثری در جلوگیری از ریزش‌های سپاه حضرت علی داشت؛ چراکه در جبهه‌ی مقابل، چهره‌های غلط‌اندازی چون طلحه و زبیر حضور داشتند که می‌توانستند به واسطه سابق در اسلام عوام مردم را گمراه کنند، اما بصیرت‌زایی عمار و دیگران جلوی ریزش‌ها را گرفت.

در فاصله‌ی میان جنگ جمل و صفین نیز عمار همواره در کوفه به‌عنوان یک صحابی مسن در کنار امام علی علیه‌السلام بود. ایشان در آن زمان

حدود نود سال سن داشتند و در آن فضایی که بسیاری در تردید به سر می‌بردند، روایاتی از پیامبر اسلام را که در شأن امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیان شده بود، نقل می‌کردند. به‌صورت کلی، جناب عمار از دو راهکار بهره می‌بردند. یکی اینکه نقش تبیین‌کنندگی و روشنگری خود را به‌خوبی ایفا می‌کردند. نکته‌ی دوم به عملکرد عمار یاسر باز می‌گردد. او از آغاز ورود به اسلام، آن‌چنان عمل کرد که همه‌ی حرکاتش (حتی شهادتش) نشانه‌ی حق شد.

برهمن اساس رهبر معظم انقلاب جهاد تبیین را لازمه مقابله با جنگ شناختی دانسته و در تمجید از عمار یاسر می‌فرمایند «تخریب ذهن هم آسان‌تر از تعمیر ذهن است. وقتی به شما چیزی بگویند، سوءظنی یک جا پیدا کنید، وارد شدن سوء ظن به ذهن آسان است، پاک کردنش از ذهن سخت است. لذا آنها شبهه‌افکنی می‌کردند، سوء ظن را وارد می‌کردند؛ کار آسانی بود. این کسی که از این طرف، خودش را موظف دانسته بود که در مقابل این جنگ روانی بایستد و مقاومت کند، جناب عمار یاسر بود، که در قضایای جنگ صفین دارد که با اسب از این طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی می‌رفت و همین طور این گروه‌هایی را که - به تعبیر امروز، گردان‌ها یا تیپ‌های جدا جدای از هم - بودند، به هر کدام می‌رسید،

در مقابل آنها می‌ایستاد و مبالغی برای آنها صحبت می‌کرد؛ حقائق را برای آنها روشن می‌کرد و تأثیر می‌گذاشت. یک جا می‌دید اختلاف پیدا شده، یک عده‌ای دچار تردید شدند، بگو مگو توی آنها هست، خودش را سرعت آنجا می‌رساند و برایشان حرف می‌زد، صحبت می‌کرد، تبیین می‌کرد؛ این گره‌ها را باز می‌کرد.» (بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۰۵/۰۵)

بنابراین راه کار و علاج جنگ گسترده شناختی دشمن امروز نیز تبیین صحنه و واقعیت‌های جامعه است که دشمن ناجوانمردانه در صدد وارونه‌سازی وقایع و دستاوردهای محیرالعقول نظام اسلامی در این چهار دهه و بن‌بست‌نمایی آن است. جهادگران عرصه تبیین امروز رزمندگان خط مقدم جنگ نرم و جنگ نابرابر شناختی دشمنان هستند و باید بتوانند با تبیین به هنگام و اقناعی، توطئه‌های دشمن را بازشناسی و خنثی نمایند و از باورها و ایمان‌های مردم مراقبت نمایند.